

مشروطیت جنوب

• سید رضا حسینی

سیاسی و اوضاع اقتصادی یکی از حساس‌ترین فرازهای تاریخ معاصر جنوب ایران می‌باشد.

کاکس در زمینه چگونگی روند شکل‌گیری مشروطیت در بوشهر و ایالت فارس و نقش شخصیت‌های عالم و برجسته‌ای چون، آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری و سید مرتضی مجتهد اهرمی بر ضد استبداد محمدعلی شاه و خودکامگی حکومت مرکزی اطلاعات ارزشمندی به خوانندگان عرضه می‌کند. آغازگر قیام مردم بوشهر علیه محمدعلی شاه، شخصی به نام سید مرتضی مجتهد اهرمی بود که به توصیه آیت‌الله سید عبدالحسین لاری و براساس احکام علمای نجف، نهضت مشروطه‌ی بوشهر را رهبری می‌کرد.

در بجهت‌های انقلاب مشروطیت ایران، سرکنسول انگلیس در بوشهر، سرپرسی کاکس بود که مدت ۱۰ سال از مأموریت سیاسی خود را در این شهر گذراند. کاکس در بیستم نوامبر ۱۸۶۴ در هرون گیت متولد شده بود. ابتدا نام خانوادگی باتن^۱ را داشته است اما پدرش نام خانوادگی خود را به کاکس تغییر داد. او تحصیلات متوسطه را در دبیرستان اشراقی هرو^۲ به اتمام رسانید و در سن هیجده‌سالگی وارد دانشکده افسری سنت هرست شد. دو سال بعد با درجه‌ی ستوان دومی فارغ‌التحصیل گردید. اولین مأموریت نظامی او در هنگ تفنگداران اسکاتلند بود. در این زمان در هندوستان انجام وظیفه می‌کرد. در مارس ۱۸۸۴ انگلستان را ترک کرد و به هنگ خود در شاه جهان‌پور از شهرهای واقع در شمال هند پیوست. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸، صص ۷-۱۳۵)

در مدت پنج‌سال در سه ایالت هندوستان یعنی کانپور، باریلی^۳ و لکنه‌و خدمت کرد و زبان اردو را فرا گرفت. سپس فعالیت برای آموختن زبان‌های عربی و فارسی را آغاز کرد. در ۱۴ نوامبر ۱۸۸۹ با لویسا بل هامیلتون، دختر ژنرال هامیلتون از افسران ارشد بهداری ارتش بریتانیا ازدواج نمود. (گریوز، ۱۳۸۰، ص ۲)

در سال ۱۸۹۲ م برای مدت سه سال مأمور خدمت در سومالی شد. سپس در اکتبر ۱۸۹۵ به هندوستان باز گشت. اولین مأموریت کاکس در خلیج فارس از اول اکتبر ۱۸۹۹ آغاز شد. لرد کرزن



■ مشروطیت جنوب ایران به گزارش بایوز بریتانیا در بوشهر

■ ترجمه و تدوین: حسن زنگنه

■ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی بوشهر، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۴۲۴ صفحه

کتاب حاضر، گزارش‌های کنسولگری انگلیس در فاصله سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۱۵ م است که توسط سرپرسی کاکس، سرکنسول انگلیس در بوشهر و دستیارش مازور تری ور به رشته تحریر درآمده است.

به زعم مترجم کتاب، این گزارش‌ها یکی از مهم‌ترین منابع مطالعاتی تاریخ معاصر ایران در آغازین سال‌های انقلاب مشروطه در جنوب کشور به ویژه بوشهر می‌باشد. اهمیت این گزارش‌ها در بررسی تطبیقی و برای دستیابی به تصویر واقعی رخداد‌های



کلیه کنسولگری‌های انگلیس در ایالات فارس و خوزستان و شهرهای ساحلی خلیج فارس (بوشهر، بندر عباس، بندر لنگه و...) نظارت و رسیدگی می‌کرد. مأموریت کاکس در بوشهر علاوه بر فرانسوی‌ها، با روس‌ها و آلمان‌ها نیز در تعارض بود و مبارزه با فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی این سه دولت بخشی از مهم‌ترین وظایف او را در بوشهر تشکیل می‌داد. (شیخ‌الاسلامی، صص ۴۱-۱۳۹)

در مدت ده‌سال مأموریت کاکس در بوشهر، نخستین چاه شرکت نفت داری در مسجد سلیمان در سال ۱۹۰۷ م به منبع عظیم نفت رسید و سیاست انگلستان را در جنوب ایران به کلی دگرگون ساخت. سپس انقلاب مشروطیت ایران و نیز عقد قرارداد ۱۹۰۷ م و خلع شدن محمد علی شاه از سلطنت در سال ۱۹۰۹ م اتفاق افتاد. (همان، ص ۱۴۲)

کتاب با مقدمه‌ی رئیس بنیاد ایران‌شناسی بوشهر، دکتر عبدالکریم مشایخی و مقدمه‌ی مترجم آغاز و سپس به گزارش‌های سالانه ۱۹۰۶-۱۹۰۵ پرداخته می‌شود.

در این قسمت خواننده با مطالبی از قبیل تغییر مدیر کل گمرکات جنوب ایران، موضوع قاچاق اسلحه از مسقط به سواحل خلیج فارس و مکران ایران، ممنوعیت صدور کالا، ورود هیأت بازرگانی هند و انگلیس به سرپرستی گلید و نیوکومن به ایران، اخذ امتیاز و بهره‌برداری اسفنج دریایی، ذخایر اکسید قرمز، بهداشت عمومی و

نایب‌السلطنه‌ی هند او را به سمت کنسول و کارگزار حکومت بریتانیا در مسقط انتخاب کرد. این انتخاب ناشی از رقابت شدید میان انگلستان و فرانسه در آن‌جا بود. فرانسوی‌ها با استفاده از مأموری به نام اوتاوی^۴ توانسته بودند امتیاز تأسیس ایستگاه ذغال‌گیری در بندر جیسه را به دست آورند. اما انگلیسی‌ها با اعزام کشتی جنگی به مسقط و دادن اولتیماتوم به سلطان فیصل ابن تیمور، این امتیاز را لغو کردند. با وجود این گونه رقابت‌ها، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند مأموری مجرب و کاراندیش که قدرت درهم‌شکستن سیاست‌های فرانسویان را داشته باشد، به مسقط اعزام کنند. (شیخ‌الاسلامی، ص ۱۳۷)

در ژانویه ۱۹۰۴ سمت رزیدنت بریتانیا در خلیج فارس، که مقر اداری‌اش در بندر بوشهر بود، به کاکس سپرده شد. (گریوز، ص ۴). رزیدنت خلیج فارس در حقیقت فرماندار کل و تام‌الاختیار خلیج فارس بود که بر تمام مستملکات ارضی و سرزمین‌های تحت‌الحمایه انگلیس در داخل یا پیرامون خلیج فارس نظارت داشت. رزیدنت بر تمام شیخ‌نشین‌های کرانه متصالح (شارجه، ابوظبی، دبئی، ام‌القوین، رأس یمخه، فجیره، عجمان) و نیز بر بحرین، قطر، کویت و دیگر امیرنشین‌های ساحلی نظارت داشت. وی حتی مسائل مربوط به حجاز و نجد و روابط حکومت هند با ابن‌سعود را نیز رسیدگی و حل و فصل کرد. رزیدنت هم‌چنین به‌عنوان سرکنسول بریتانیا در جنوب ایران بر امور

ایران در سده‌ی نوزدهم به سبب اهمیت استراتژیک برای دو رقیب استعماری روس و انگلیس، زیر فشار نظامی دو قطبی قران گرفته بود

گزارش‌های سال ۱۹۰۹ م با خبر ترک ناو جنگی لارنس از بوشهر به مقصد کویت، محمره و... آغاز می‌شود و خبر از ورود سیدعبدالله اصفهانی از روحانیون چهارم از کربلا به بوشهر را می‌دهد و می‌افزاید سید می‌کوشد برای گمرک دردسر به وجود آورد؛ زیرا او بر این باور است که عایدات گمرک برای شاه درآمدی عمده و اصلی است و اگر این درآمد قطع شود وی مجبور به تسلیم در برابر خواسته‌های مردم می‌شود. در ادامه در مورد نامه‌ی سیدعبدالحسین لاری به سید مرتضی اهرمی مبنی بر سکوت اهرمی در برابر شاه صحبت شده است. همچنین در نامه‌ای دیگر سیدعبدالحسین لاری از سید مرتضی اهرمی خواسته است به منظور اخراج مقامات بلژیکی گمرک و تشکیل گمرک ملی، دستورات لازم را به لنگه و بندر عباس ارسال نمایند. در این گزارش‌ها در مورد نامه سید لاری به خوانین دشتی و دشتستان نیز مطالبی بیان شده است. کاکس در مورد سید مرتضی اهرمی می‌نویسد، مهم‌ترین رخداد مارس این سال تلاش سید و همراهانش برای سرنگونی اقتدار شاه بود. سید احکامی را ارائه نمود که به موجب آن، پرداخت عوارض و مالیات به خزانه شاهی را ممنوع می‌کرد و از مردم می‌خواست تا برای حفظ منافع خود دست به کار شوند. سید مرتضی در خانه حکمران بوشهر پرچم مشروطیت را به اهتزاز درآورد و به پاس این حرکت تعداد ۲۱ توپ شلیک گردید. در این قسمت اقدامات سید در باب مشروطه‌خواهی او مفصلاً به رشته‌ی تحریر درآمده است. در گزارش‌های سال ۱۹۱۰ بیشتر به اوضاع محلی بوشهر و انجمن‌های محل، ناسیونالیست‌ها، فتوای محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی خطاب به رهبران مشروطه، اوضاع راه‌ها، استعفای سیدعبدالله بهبهانی از ریاست انجمن محلی بوشهر، محکوم نمودن دریافت وام از انگلستان و روسیه توسط اهالی تبریز، تجارت اسلحه، گزارش‌های متنوع، اقدامات تنگستانی‌ها و... پرداخته شده است.

گزارش‌های سال ۱۹۱۱ م با خبر ورود حکمران ایالت فارس (نظام‌السلطنه) به بوشهر آغاز می‌شود و می‌نویسد: دریابگی از او بر روی عرشه کشتی استقبال نمود. نظام‌السلطنه در سر راه خود به شیراز رهسپار برازجان شد، صولت‌الدوله رئیس ایل قشقایی و سایر خوانین به استقبال او آمدند و وی را همراهی کردند. در ادامه به اوضاع بوشهر، تنگستان، راه‌ها، احداث اسکله در رودخانه کارون نزدیک محمره، گمرکات، تجارت اسلحه، خدمات پستی و تلگراف، لنگه، رشتی، ترکیه، تجارت‌خانه وانکپوس آلمان،

قرنطینه، بارندگی و اوضاع کشاورزی در جنوب، حکومت بوشهر و بنادر، معین‌التجار، وضعیت راه بوشهر - شیراز، تسویه دعاوی عقب‌افتاده اتباع انگلیس، وضعیت روزنامه‌های محلی، فعالیت روس‌ها، مسافرت‌های نماینده‌ی سیاسی مقیم، ورود و خروج کشتی‌های دول اروپایی به خلیج فارس، انتخاب مجدد دریابگی به حکومت بوشهر، جمع‌آوری کمک برای سرمایه‌ی بانک ملی ایران، دیدار معاون مدیر کل گمرک با حکمران بوشهر، آشنا می‌شود.

گزارش‌های سال ۱۹۰۷ م نیز به موضوعاتی هم‌چون، رفع توقیف از انتشار روزنامه مظفری و حمایت جمعی از روحانیون در مجلس از آن، تشکیل جلسه‌ی نمایندگان شورای بوشهر و عدم تطابق اساسنامه شورا با مفاد دستورات تهران، خبر فوت شاه در روز نهم ژانویه و انتشار این خبر به مردم و چگونگی ورود ولیعهد به تهران و تماس دریابگی با روحانیون بلندمرتبه و تجار برای ارسال تلگراف تبریک به ولیعهد، خبر نارضایتی محمدعلی شاه از مجلس و اعلام اخباری مبنی بر احتمال انحلال مجلس و در نتیجه شورش در تهران، انتخاب مؤیدالدوله به‌عنوان حکمران کل ایالت فارس، انتخاب مسعودالممالک به‌عنوان نایب حکمران لنگه، انتصاب شاهزاده فرمانفرما توسط محمدعلی شاه به‌عنوان وزیر عدلیه، دعوت از سردبیر روزنامه حیل‌المتین توسط مجلس ملی برای سفر به تهران، محکومیت روسیه توسط وعاظ و توصیه به اتحاد با مجلس ملی، اوضاع متزلزل و ناپایدار مجلس ملی در تهران، احتمال انتخاب سید عبدالرضا حکیم به‌عنوان نماینده بوشهر در مجلس ملی، پرداخته است.

در گزارش‌های سال ۱۹۰۸ م نیز ضمن پرداختن به موضوعات داخلی بوشهر، صحبت از اوضاع نابسامان کشور شده و خبر از فراخوان نیروی بزرگی توسط شاه به تهران داده شده و بیان می‌شود که امیدی برای ثبات دولت مشروطه وجود ندارد. هم‌زمان در بوشهر نیز خبر از ورود افراد تنگستانی به بوشهر شده است. در این قسمت موضوعاتی هم‌چون تلگراف مردم شیراز به سید مرتضی اهرمی مبنی بر عدم مشروعیت محمدعلی شاه و انتخاب شاه جدید، تعطیلی بازار، تلگراف شاه به روحانیون مبنی بر احترام او به قانون اساسی، مقاله‌های تحریک‌آمیز روزنامه مظفری و دستور اعدام او از تهران، ممنوعیت ورود روزنامه حیل‌المتین به ایران، جشن سال‌روز تولد پادشاه نروژ در بندر بوشهر، جشن سال‌روز تولد ملکه هلند، آشفتگی اوضاع مکران، روی کارآمدن رژیم جدید در ترکیه، به میان آمده است.

دولت انگلستان پشتیبانی از مشروطه خواهان را تا آنجا ادامه داد که نفوذ روسیه به کمترین اندازه رسید و آنگاه دولت را به سازش فراخواند

در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه است. به نظر می‌رسد در آستانه‌ی انقلاب مشروطه نفوذ سیاسی و اقتصادی روسیه نسبت به رقیب انگلیسی‌اش افزایش چشم‌گیری یافته بود و موازنه‌ی نفوذ در این کشور مهم از دید استراتژیک به زیان دولت انگلستان تغییر کرده و سیاست بین‌الملل آن روز در مورد ایران تغییر یافته بود. قدرت‌ها می‌کوشیدند از رویارویی مستقیم بپرهیزند و عوامل غیرمستقیم را بر ضد رقیب به کار گیرند تا از یک سو فشار بیش‌تری به رقیب بیاورند و از سوی دیگر موازنه نفوذ و سلطه را به سود خود برهم زنند. از دید انگلیسی‌ها، جنبش مشروطه فرصت مناسبی برای جبران کاهش نفوذ فراروی دیپلماسی انگلیس گذاشته بود، زیرا دیپلماسی روسیه در سایه مشکلات داخلی انقلاب ۱۹۰۵ م و جنگ با ژاپن چندی از پهنه‌ی سیاسی ایران دور شد و دولت انگلیس توانست در این مدت تا حدودی سیاست‌های خود را در ایران پیاده نماید. بنابراین طبیعی بود که انگلیس انقلاب مشروطیت را فرصت مناسبی برای رویارویی با نفوذ روسیه در ایران بشمارد و سفارت آن کشور پناهگاه عده‌ای از مشروطه خواهان شود. هم‌چنان که سفارت روسیه نیز قاجارها را پناه می‌داد. با همه‌ی این‌ها، دولت انگلستان پشتیبانی از مشروطه خواهان را تا آنجا ادامه داد که نفوذ روسیه به کمترین اندازه رسید و آنگاه دولت را به سازش فراخواند؛ زیرا گرایش چندان به دگرگونی بنیادی ساخت سیاسی ایران نداشت.

منابع:

- گریوز، فیلیپ. مأموریت سرپرستی کاکس در خلیج فارس و ایران، ترجمه حسن زنگنه.
- شیخ الاسلامی، محمد جواد، سیمای احمدشاه قاجار، تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۸.
- زنگنه، حسن (ترجمه و تدوین): مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریانتا در بوشهر، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی استان بوشهر، ۱۳۸۶.

پی‌نوشت‌ها:

1. Button
2. Harrow
3. Bareilly
4. Ottavi

پرداخته است. گزارش‌های سال ۱۹۱۲ نیز ضمن پرداختن به اوضاع کشور با موضوع نامه‌ی مرحوم آخوند ملاکاظم خراسانی به سیدعبدالله بوشهری آغاز می‌شود. در این قسمت نماینده سیاسی انگلستان سعی نموده که از ایستادگی مردم بر علیه روسیه و بی‌طرفی دولت متبوع خود در جریانات کشور دفاع نماید. به نحوی که تمام ایرادات را به دولت روسیه سوق می‌دهد و دولت انگلستان را حامی مردم و خیرخواه آن‌ها جلوه می‌دهد. هر چند در جاهای دیگر نیز سعی در براءت دولت انگلستان از اوضاع ایران بسیار دیده می‌شود اما نویسنده در این قسمت با شدت بیش‌تری این موضوع را پی‌گیری می‌کند.

گزارش‌های سال ۱۹۱۳ نیز به تحولات جاری مناطق جنوبی ایران پرداخته است.

گزارش‌های سال ۱۹۱۵-۱۹۱۴ م نیز حاوی یک سری اطلاعات محرمانه از اوضاع داخلی کشور همچون کمبود بودجه و مقروض بودن دولت ایران، موضوع کال‌های فرانسوی، آلمانی و اتریش در بازارهای ایران، رئیس علی دلواری، تبعید آلمانی‌های ساکن بوشهر به هند، کنترل شدید آلمان‌ها در ایران، تحركات سید مرتضی اهرمی، حمله احتمالی نیروهای مردمی به انگلیسی‌ها، ملاقات انگلیسی‌ها با حاکم بوشهر، امور اداری و اجرایی، که دارای اهمیتی خاص درخور توجه در طول این سال‌ها می‌باشد. در قسمت دیگری از این کتاب نگاهی به نواحی مختلف فارس و بنادر خلیج فارس گنجانده شده است که مطالب ارزنده‌ای را برای خواننده به ارمغان می‌آورد. در این قسمت تبارنامه خاندان‌های حکومتی نیز مشروحاً ذکر گردیده است.

قسمت پایانی کتاب نیز مربوط به تصاویر و اسنادی راجع به آیت‌... سید عبدالله مجتهدی، آیت‌... سید مرتضی اهرمی و رئیس علی دلواری می‌باشد.

با بررسی نوشته‌های داخلی این اثر و توجه بر واقعیت‌های تاریخی ایران در آستانه انقلاب مشروطیت روشن می‌شود که در کنار علل درونی این انقلاب که در پی افزایش آگاهی سیاسی و فرهنگی و دگرگونی‌ها در صورت‌بندی زندگی اجتماعی ایران پیش آمده، نمی‌توان اثر چشم‌گیر سیاست‌های دول خارجی بر این رویداد مهم را نادیده گرفت. ایران در سده‌ی نوزدهم به سبب اهمیت استراتژیک برای دو رقیب استعماری روس و انگلیس، زیر فشار نظامی دو قطبی قرار گرفته بود. بررسی یادداشت‌های کارگزاران سیاسی دولت انگلیس به خوبی گویای سیاست آن کشور در ایران